

## سیاست اخلاقی در اندیشه آیت ... خامنه‌ای

فرشید دانش پژوه<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۱

**چکیده:** اخلاق دانشی عملی است که به ارزیابی اعمال جوانحی و جوارحی ارادی و اختیاری انسان در حوزه فردی و فرافردی می‌پردازد و پدیده‌ی ارزشمندی در معنابخشی و تعالی انسان است. رابطه اخلاق و سیاست چه به مثابه‌ی دو نهاد، چه به عنوان دو نظام دانایی از دغدغه‌های اساسی فیلسوفان است. در نسبت دو مفهوم اخلاق و سیاست و نسبت بین هنجارها و ارزش‌های حوزه اخلاق با هنجارها و ارزش‌های حوزه سیاست و تقدم و تاخر ارزش‌ها دیدگاه‌های متنوعی وجود دارند. در این مقاله با رویکرد تحلیلی در فلسفه اخلاق هنجاری و روش مقایسه‌ای و ابزار مطالعه کتابخانه‌ای ضمن تفکیک انواع مختلف اخلاق و تعریف مکاتب اخلاقی، با اتکاء بر بیانات حضرت آیت ... خامنه‌ای به واکاوی اخلاق سیاسی در اندیشه ایشان می‌پردازم و در مجموع مدعای مقاله این است که آمیختگی سیاست و معنویت مبتنی بر اخلاق دینی وجه برجسته‌ای در آثار وی دارد. همچنین مجموعه‌ای از انواع اخلاق و مکاتب اخلاقی از جمله اخلاق توصیفی مبتنی بر سیاست-ورزی معصومین(ع) به مثابه‌ی سیاستمداران آرمانی، اخلاق هنجاری، اخلاق وظیفه‌گرای نتیجه‌گرا مبتنی بر نتایج آرمانی و تکالیف واقع‌گرایانه، اخلاق حداقلی مبتنی بر عدالت، اخلاق حداکثری مبتنی بر شفقت نسبت به مومنان و شدت عادلانه نسبت به دشمنان، اخلاق مطلق‌گرا مبتنی بر اصول و اخلاق زمینه‌گرای مبتنی بر واقعیات جامعه و مصلحت عامه در ساحات باور، تصمیم و عمل ایشان برجسته است.

**واژگان اصلی:** آیت ... خامنه‌ای، اخلاق، اخلاق سیاسی، سیاست، معنویت.

## مقدمه

### اخلاق و امر اخلاقی: مفاهیم، تعاریف، مکاتب و انواع اخلاق

اخلاق در لغت جمع خُلُق و به معنی سرشت، خوی، طبیعت، سیرت درونی و باطنی است. اخلاق در برخی تعاریف اصطلاحی، بلکه نفسانی است که افعال به آسانی و بدون تأمل و درنگ از آن صادر می‌شوند. مقید شدن به عاملی درونی که انسان را به نیکی‌ها سوق می‌دهد و از بدی‌ها برکنار می‌نماید. دانش اخلاق (Ethics) به دنبال فهم نظام‌مند اخلاقی زیستن/پدیده اخلاق (Morality) است و در پی شناخت اصول رفتار درست است. دانش اخلاق درباره‌ی چگونگی و چرایی زیستن است.

ارائه تعریفی از اخلاق که جامع و مانع باشد مقدور نیست، اما می‌توان معیارهایی برای تعریف اخلاق ارائه کرد: نخست اینکه احکام اخلاقی باید از پشتوانه محکم استدلالی برخوردار باشند و دیگر اینکه مستلزم بی طرفی باشند. اخلاق مهمتر از هر موضوعی است که به نحوی با تعقل سروکار دارد و تفکر از ضروریات اخلاقی زیستن است. امر اخلاقی تحت هر شرایطی بر اساس بهترین دلایل، تعیین و انجام می‌شود. در تمایز دلایل اخلاقی خوب و خوب‌تر، واقع‌گرایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بی طرفی، قضاوت‌های اخلاقی را متکی به دلایل می‌کند نه منافع و نیز مانع برخورد سلیقه‌ای با افراد خواهد شد. امر اخلاقی منشعب از معطوف به ارزش‌ها و غایات اخلاقی است.

تعریف اخلاق در معنای حداقلی عبارت است از تلاش برای کنترل و هدایت رفتار تحت انقیاد/هدایت بهترین دلایل و دوری از هر گونه تقدم منافع بر دلایل. تعریف دیگری از اخلاق که معطوف به پدیده اخلاق است، ماهیت اخلاقی بودن را هدف قرار می‌دهد. در این تعریف، اخلاقی بودن به مضمیق بودن دایره ماذونات نسبت به دایره مقدرات تعریف می‌شود. عامل محدودگر دایره ماذونات، معین ارجمندی عمل فرد است. تعریف دیگر اخلاق از طریق گزاره‌های اخلاقی است. موضوع گزاره‌های اخلاقی افعال ارادی و اختیاری ظاهری و باطنی انسان است و محمول آن ده مفهوم خوب/بد، درست/نادرست، باید/نباید، وظیفه، تکلیف، مسئولیت، فضیلت/ذیلت است. تعریف دیگری از اخلاق در معنای عام عبارت است از ارزش‌ها و هنجارهایی که راهنمای اندیشه و عمل‌اند و تعریف اخلاق در معنای خاص عبارت است از ارزش‌ها و هنجارهایی که راهنمای عمل و رفتاراند.

چنانچه گذشت موضوع گزاره‌های اخلاقی حالات جوانچی و جوارحی انسان است و معمولاً خوب/بد، درست/نادرست، باید/نباید، وظیفه، تکلیف، مسئولیت، فضیلت/ذدیت محمول گزاره است. فلسفه اخلاق به اخلاق توصیفی، اخلاق دستوری/هنجاری و اخلاق تحلیلی/فرااخلاق تقسیم می‌شود. در اخلاق توصیفی صرفاً به توصیف آنچه فرهنگ‌ها و ادیان و تمدن‌ها اخلاق می‌دانند می‌پردازیم و بیشتر سابقه تجربی و تاریخی دارد و در صورتی فلسفه اخلاق است که پس از مطالعه اخلاق، نتیجه فلسفی درباره ماهیت اخلاقی انسان حاصل شود. در اخلاق دستوری نظام‌های اخلاقی متنوعی ارائه می‌شوند. در اخلاق تحلیلی به معناشناسی، معرفت‌شناسی و وجودشناسی اخلاق پرداخته می‌شود. در معناشناسی اخلاق به معنای مفاهیم اخلاقی و صدق و کذب آنها می‌پردازیم. در معرفت‌شناسی اخلاق به توجیه احکام اخلاقی و معرفت نسبت به صحت/صدق احکام اخلاقی و در وجودشناسی اخلاق به هستی‌شناسی ارزشهای اخلاقی و اینکه اخلاق جعل است یا کشف پرداخته می‌شود. در معرفت‌شناسی اخلاق دو رویکرد کلی واقع‌گرایی و ضدواقع‌گرایی وجود دارند. در رویکرد واقع‌گرایی، استدلال/توجیه در اخلاق ممکن است و در رویکرد ضدواقع‌گرایی استدلال/توجیه در اخلاق ممکن نیست.

مکاتب عمده و مهم در فلسفه اخلاق شامل وظیفه‌گرایی/اصالت وظیفه، نتیجه‌گرایی/اصالت نتیجه، حق‌گرایی و فضیلت‌گرایی است. در مکتب وظیفه‌گرایی به وجود ارزش‌های اخلاقی و خوبی و بدی ذاتی افعال قائلیم. در مکتب نتیجه‌گرایی درستی/نادرستی افعال از نتیجه حاصل می‌شود و در مکتب حق‌گرایی اخلاق مبتنی بر حق است نه وظیفه. در مکتب فضیلت‌گرایی به جای عمل خوب به انسان و شخصیت خوب پرداخته می‌شود و هر عملی که از انسان خوب صادر شود عمل خوب است. توجه به حالات درونی انسان و نیت عامل در رویکرد فضیلت‌گرایی مورد توجه است. این رویکرد منسوب به ارسطو است. چهار فضیلت حکمت، شجاعت، عفت و عدالت در رأس فضیلت-های ارسطو است و به باور ارسطو اگر این چهار فضیلت در انسان راسخ شود، هر کاری از انسان خوب و معتدل و عادل صادر شود کار درست است. در فلسفه اخلاق چهار مکتب وظیفه‌گرایی، نتیجه‌گرایی، فضیلت‌گرایی و حق‌گرایی هر کدام به نحوی در پی صورتبندی عقلانی امر اخلاقی‌اند. سه مکتب اول به حصر عقلی منحصر در سه ساحت عمل‌اند. این سه ساحت به ترتیب، خودِ عمل، نتایج عمل، زمینه و بستر عمل‌اند. شهود اخلاقی ما به نفع هر چهار مکتب اخلاقی حکم می‌دهد. عدم توجه به تمایز حقوق از اخلاق به مشکلاتی از جمله نسبی‌گرایی می‌انجامد. اغلب فیلسوفان اخلاق

بسیاری از ارزش‌های اخلاقی را نسبی نمی‌دانند، اما اخلاق مبتنی بر حقوق به نسبی‌گرایی اخلاقی خواهد انجامید؛ زیرا حقوق علی‌التحقیق حساس به تنوع فرهنگی است در حالیکه اخلاق چنین نیست. در نسبی‌گرایی، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی از فردی به فرد دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند.

اخلاق را می‌توان بر اساس مقسم‌های مختلفی دسته‌بندی کرد. بر اساس مقسم دین، اخلاق به اخلاق دینی و اخلاق فرادینی تقسیم می‌شود. اخلاق دینی در چهار شکل تعریف می‌شود. در یک تعریف از اخلاق دینی، خداوند راهنمای انسان در تشخیص امر اخلاقی است و شأن هستی‌شناختی خداوند به شأن معرفت‌شناختی امر اخلاقی تغییر می‌کند، به دیگر سخن، انسان به دلیل نقص معرفتی قادر نیست فهرستی از امور درست و نادرست اخلاقی را تهیه کند و در این کار به راهنمایی خداوند نیاز دارد. در این تعریف امر اخلاقی منوط به وجود خداوند و حیات پس از مرگ نمی‌شود و فقط در تشخیص درست از نادرست به راهنمایی خداوند نیاز داریم. در تعریف دیگر از اخلاق دینی، خداوند در وجود و شناخت امر اخلاقی نقشی ندارد و انسان می‌تواند بدون راهنمایی خداوند و بدون ربط وجودی اخلاق به وجود خداوند فهرست کاملی از درستی و نادرستی، خوبی و بدی را تهیه کند و خداوند فقط انگیزه‌ای برای اخلاقی زیستن می‌شود. به عبارت دیگر ضامن اخلاقی زیستن، خداوند است و اگر خداوند و زندگی پس از مرگ نباشد، انگیزه‌ای برای اخلاقی زیستن باقی نمی‌ماند. اخلاق دینی تقریرها یا صورت‌بندی‌های متنوعی دارد. بر اساس برخی از این تقریرها، این اخلاق مبتنی بر اوصاف و فضایل اخلاقی خداوند است، بر اساس تقریری دیگر مبتنی بر اراده‌ی الهی است و بر اساس تقریری دیگر مبتنی بر فرمان الهی است. اخلاق دینی وابسته به دین و مؤخر از آن است و اخلاق فرادینی مستقل از دین است. در سیاق دیگری نیز اخلاق دینی به دو شکل قابل تحقق است. شکل اول، تأیید و تنفیذ پاره‌ای از اصول اخلاق فرادینی است و دیگری ترکیب اصول اخلاق فرادینی با باورهای دینی. (فناهی، ۱۳۹۱: ۱۵)

اخلاق را می‌توان به اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی نیز تقسیم کرد. اخلاق فردی مسئول تنظیم رابطه فرد با خود و حقوق و وظایفی است که فرد نسبت به خود و خدا دارد. اخلاق اجتماعی مسئول تنظیم رابطه فرد با افراد دیگر و با نهادهای اجتماعی است.

برخی فیلسوفان اخلاق معاصر بر این باوراند که تصور رایج از اخلاق در میان مسلمانان تصور جامعی نیست و همین امر منشاء بسیاری از نامطلوبیت‌های اجتماعی است. در این تلقی ناقص،

اخلاق در مجموعه‌ای از فضائل و رذائل نفسانی که تنها در سعادت و شقاوت اخروی فرد دخالت دارند منحصر شده است و نقش آن در سعادت و شقاوت دنیوی مغفول مانده است. در دیدگاه این فیلسوفان تفاوت مهم و کلیدی فرهنگ اسلامی و فرهنگ غرب در طرز تلقی این دو فرهنگ از مقوله اخلاق است، زیرا در فرهنگ اسلامی سویه‌های فردی و اخروی و در فرهنگ غربی، سویه‌های دنیوی و اجتماعی برجستگی دارند. لذا در جامعه ایرانی، تلقی صحیحی از نقش اخلاق در تنظیم روابط اجتماعی وجود ندارد و اگر متواضعانه‌تر سخن بگوییم، این نقش کم رنگ است. (فناپی، ۱۳۸۴: ۲-۵۱)

تقسیم دیگر اخلاق به حداقلی و حداکثری است. اخلاق حداقلی مبتنی بر عدالت است و اخلاق حداکثری مبتنی بر عشق/احسان/گذشت/غمخواری/ایثار است. کف اخلاق اجتماعی اخلاق حداقلی و سقف آن اخلاق حداکثری است، اما به باور برخی فیلسوفان، اخلاق مرتبط به حوزه سیاست، اخلاق حداقلی است. (فناپی، ۱۳۹۱: ۸) امام علی(ع) در پاسخ به سوال سائل که می‌پرسد جود/بخشنده‌گی بهتر است یا عدالت می‌فرماید، عدالت بهتر است زیرا جود امور را از مسیر طبیعی خارج می‌کند. این تعبیر ناظر بر اخلاق حداقلی است.

تقسیم دیگری از اخلاق، اخلاق مطلق‌گرا و اخلاق زمینه‌گرا است. در اخلاق مطلق‌گرا همه اصول اخلاقی مطلق و استثناناپذیرند و اخلاق نسبت به زمینه/سیاق/بافت حساس نیست، اما در اخلاق زمینه‌گرا برخی از اصول اخلاقی نسبت به بافت/زمینه حساس اند و گاهی مقتضای اخلاقی از بافتی به بافت دیگر تغییر می‌کند. (فناپی، ۱۳۹۱: ۹)

اخلاق علاوه بر ساحت کردار به ساحت باور نیز قابل تسری است. اخلاق باور ناظر بر افعال ذهنی ارادی اختیاری است که بُعد معرفتی دارند، مانند باورکردن و پذیرفتن. اخلاق باور بیانگر حقوق و وظایف اخلاقی آدمیان در قلمرو نظر و شناخت و معرفت است، اما اخلاق رفتار در قلمرو عمل شکل می‌گیرد. بر اساس اخلاق باور همانگونه که ما پدر هستیم و مسئولیت اخلاقی در مقابل خانواده داریم به عنوان یک متفکر نیز مسئولیت اخلاقی در باورهای خود داریم و چیزی به نام اخلاق باور محقق می‌شود. در اخلاق باور، التزام به کاربست تفکر انتقادی و منطق و دیگر ابزارهای بهبود تفکر ضروری است. بسیاری از فیلسوفان اخلاق بر این باورند که اگر انسان عمداً شک را در خود راسخ کند و تنها از یک وجه به مسأله نگاه کند، دچار رذیلت فکری-اخلاقی است. انسان منصف باید هم نقاط مثبت و هم نقاط منفی هر مسأله را مشاهده و تامل کند و پرداختن صرف به نقاط مثبت

به طور افراطی یا نقاط منفی به طور افراطی و نپرداختن به هر دو وجه می‌تواند یک رذیلت اخلاقی در اخلاق باور محسوب شود. لذا برای اینکه شک در انسان راسخ نشود یا اینکه عقاید باطل در انسان راسخ نشود، باید بتواند هر دو جنبه مثبت و منفی را مشاهده کند.

اخلاق در اندیشه آیت ا. خاмене‌ای به حالات و کیفیاتی تعریف می‌شود که در روح و اندیشه انسان وجود دارد و به عمل انسان شکل می‌دهد. (آیت ... خاмене‌ای، ۶۱/۰۴/۲۵) ایشان معتقدند اخلاق علم نیست که کسی بگوید و یاد بگیرد. اخلاق عمل قائم به جسم نیست که انسان جسم خودش را وادار کند به یک عملی. اخلاق قائم به نفس انسان است، کیفیت نفسانی است، عمل نفسانی است و این دشوارترین کارهاست. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۶۷/۰۸/۲۹) از نظر ایشان تهذیب و خودسازی هدف خلقت و بعثت است. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱) وای به حال کسانی که روی خودشان کاری نکنند از لحاظ علم و عمل، زیرا که برنامه اسلام خودسازی دائمی است و این کار هم شدنی است. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۷۱/۱۲/۰۴) ایشان با تفسیر کلام رسول اکرم (ص) که می‌فرمایند *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ* می‌گوید واژه *إِنَّمَا* یعنی همه چیز در اسلام مقدمه اخلاق و تحول درونی و فضیلت جامعه و آراستن مردم به صفات و خصائل معنوی و اخلاقی است و خودسازی را هدف حیات و همه چیز را در اسلام مقدمه تهذیب و خودسازی می‌دانند (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۷۱/۱۲/۰۴ و ۱۳۶۷/۰۳/۱۶) و معتقدند انسان برای اینکه به هدف خلقت خود برسد باید به هدف بعثت انبیا درباره خود برسد، یعنی متحول بشود، درست بشود، یعنی خود بشود و از آلودگی‌ها و پستی‌ها و عیب‌ها و آن چیزهایی که در درون انسان است و دنیا را به فساد می‌کشاند، نجات پیدا کند. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱) همت اولمان باید بر تکمیل و تهذیب نفس و ساختن باطن و متحلی شدن به حلیه اخلاق الهی و معنوی باشیم. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۹) بر همین اساس ایشان بر ترک گناه که اساس تهذیب نفس است تاکید می‌نمایند. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۷۷/۰۷/۱۹) ایشان می‌گویند تربیت و تهذیب اخلاق جامعه اسلامی نکته‌ای است که می‌خواهم درباره آن صحبت کنم. امام سجاد (ع) کمر بست به تعلیم اخلاق در جامعه اسلامی. زیرا طبق تحلیل امام بخش مهمی از مشکلات اساسی دنیای اسلام در فاجعه کربلا ناشی بود از انحطاط اخلاق مردم و فساد اخلاق مردم. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۷۲/۰۴/۲۳) از نظر ایشان اگر یک جامعه بخواهد رشد کند و اخلاق صحیح اسلامی را در خود به وجود آورد، محتاج این روش است، یعنی توجه به تزکیه در فرآیند تعلیم. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۶۷/۰۷/۲۸) تزکیه برای رشد دادن، پاک کردن و پیراسته کردن مردم. (آیت ... خاмене‌ای، ۱۳۶۷/۰۷/۲۸)

ای، ۱۳۳۸/۰۷/۲۸) مثل طبیعی که در درمان مریض فقط به گفتن و تجویز اکتفا نمی‌کند، بلکه او را در محل مخصوص قرار می‌دهد و آنچه را که لازم دارد به او می‌دهد و می‌خوراند و آنچه را که برای آموزش او مضر است از او باز می‌گیرد. (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۳۸/۰۷/۲۸) پیامبر اکرم (ص) این وضعیت و روشی را در طول بیست و سه سال نبوت و خصوصاً ده سال زندگی در مدینه دنبال می‌کردند. (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۳۸/۰۷/۲۸) ایشان در تعریف، فضیلت‌ها را همان جنود عقل و رذیلت‌ها را همان جنود جهل معرفی می‌کند و در تعبیری دیگر، از نظر ایشان جنود عقل همان اخلاق اسلامی و جنود جهل همان اخلاق طاغوتی است.

### سیاست و امر سیاسی

توافق بر سر موضوع سیاست سمت و سوی فعالیت‌های نظری و عملی را سامان می‌بخشد. موضوع سیاست، امر سیاسی است و امر سیاسی مولود منازعات و بحث‌ها و نقدهای یکصد ساله اخیر معرفت‌شناسان در حوزه علوم سیاسی است. (بحرانی، ۱۳۹۲: ۷۹) عالمان سیاسی عموماً امر سیاسی را که موضوع محوری دانش سیاست است، قدرت، قلمداد می‌کنند. پیش فرض عالمان سیاست این است که حوزه سیاست دارای موضوع مشخصی است که مستقل از سایر دانش هاست، اما تعریف امر سیاسی بسیار مناقشه برانگیز است. یکی از تعاریف این است که با تقسیم حوزه خصوصی و حوزه عمومی می‌توان سیاست را به حوزه عمومی تخصیص داد و در حوزه عمومی هر جا که مسأله قدرت وجود داشته باشد آن امر، امر سیاسی است. موضع سنتی‌تر، امر سیاسی را مرتبط با حکومت می‌داند، به عبارت دیگر امر سیاسی با دولت و دولت با امر سیاسی تعریف می‌شود. تعریف امر سیاسی از بایسته‌های فلسفه سیاسی است. یکی از ویژگی‌های اساسی امر سیاسی پیوند آن با توسعه سیاسی و به طور خاص با عدالت است. راولز امر سیاسی را پرداختن به مسأله عدالت می‌داند. به باور راولز عدالت نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی است، همچنان که صدق، فضیلت نظام‌های اندیشه است. عدالت نمی‌پذیرد که تحقق خیر بزرگتری که دیگران در آن سهیم‌اند توجیه‌کننده سلب آزادی برخی دیگر باشد. عدالت اجازه نمی‌دهد فداکاری‌ها و محرومیت‌های تحمیلی بر شمار اندکی از انسان‌ها به واسطه انبوه امتیازات فراوانی که شمار زیادی از انسان‌ها از آن برخوردارند، نادیده گرفته شود. بر این اساس در یک جامعه عادل آزادی‌های شهروندان برابر/ثابت/تغییرناپذیر تلقی می‌شود و حقوق تأمین شده از طریق عدالت، وجه المصلحه چانه‌زنی

سیاسی یا محاسبات منافع اجتماعی نیستند. تنها چیزی که به ما اجازه می‌دهد یک نظریه نادرست را بپذیریم، نبود یک نظریه بهتر است. به همین ترتیب یک بی‌عدالتی فقط زمانی قابل تحمل است که برای پرهیز از یک بی‌عدالتی بزرگتری ضروری باشد. (راولز، ۱۳۹۴: ۳۴)

در تعریفی دیگر، سیاست را می‌توان بر پایه رابطه‌ها و مناسبات منطقی میان پیش فرض‌های گوناگون مربوط به فرماندهی و فرمانبرداری امور خصوصی و عمومی و سرانجام دوست و دشمن ارائه کرد. در یک تعریف، سیاست فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از تنوع و ناهمگونی عقاید و منافع ناشی می‌شوند، می‌خواهد به یاری زور که اغلب بر حقوق متکی است، امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی ویژه‌ای را تامین کند. با تحلیل مفهومی گوهر امر سیاسی را میتوان جدا کرد، اما آن را نمی‌توان قاطعانه از مجموعه زندگی جدا کرد. جامعه سیاسی از سیاستمدار انتظار دارد که مانند یک سیاستمدار رفتار کند، یعنی فعالیت خود را مطابق با الزامات هدف ویژه امر سیاسی تنظیم کند. یعنی حتی اگر سقراط هم به قدرت می‌رسید از او می‌خواستند خود را وقف وظیفه‌های سیاسی کند، نه رفتارهای سقراطی. سقراط می‌دانست در انسان چیز دیگری غیر از سیاست هم وجود دارد، بنابراین ترجیح داد داور امور سیاسی باشد و به قانون‌های آن نیز گردن نهد.

سیاست در تعریفی دیگر از افلاطون اداره آزادانه/رضایت‌مندانه انسانهای آزاد است. سیاست به عملی ارادی گفته می‌شود که ناشی از انتخاب عقلانی معطوف به مصلحت مدنی است. عمل سیاسی در نظر ارسطو بخشی از رفتارهای عقلانی انسان است. به نظر ارسطو عمل سیاسی، موضوع تحلیل و سنجش عقلانی است. سیاست ناظر به شیوه‌های اداره آزادانه انسانهای آزاد است. عمل/کنش سیاسی در ذات خود آزادی انسان را مفروض می‌گیرد و ثانیاً محدود به حوزه ابزارها و راه‌هاست، نه هدف-ها، و آفاق نهایی را تعیین نمی‌کند و ثالثاً عمل سیاسی مربوط به انتخاب عقلانی آگاهانه و ارادی است و رابعاً ملاک انتخاب عقلانی مصلحت مدنی است نه مصلحت خصوصی و خامساً عمل سیاسی به اعتبار دگرگونی در ابزارها، راه‌ها و مصالح، خصلت تغییرپذیر و غیرسرمدی دارد. (فیرحی، ۱۳۸۹: ۳۲۱)

در تعریفی از سیاست و سیاست‌ورزی در اندیشه آیت ا. خاмене‌ای، ایشان به دو مولفه مهم تحلیل و صبر اشاره دارند. به باور ایشان اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد فریب و شکست خواهد خورد. اول بصیرت، هوشمندی، بینایی، قدرت فهم و تحلیل و سپس صبر و مقاومت و ایستادگی. (آیت ... خاмене‌ای، ۷۰/۰۱/۲۶) اینها دو عنصر مهم سیاست‌ورزی در اسلام اند. قدرت



تحلیل در نظر ایشان این است که انسان بتواند از واقعیت‌های جامعه به مدلی ذهنی برای خود دست یابد و بتواند پدیده‌ها را شناسایی کند. از نظر ایشان هر ضربه‌ای که در طول تاریخ اسلام به مسلمانان وارد شده است از ضعف قدرت تحلیل بود، چه در صدر اسلام و چه در زمان ائمه معصومین (ع). (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳) قدرت تحلیل سیاسی در گروه مطالعه سیاست، مذاکره، مباحثه و گفتگو درباره وقایع و امور سیاسی است. از نظر ایشان فعالیت سیاسی برای تحقق قدرت تحلیل بسیار ضروری است و این فعالیت به معنای سیاسی کاری نیست. شناخت و شناسایی دشمن در تحلیل سیاسی بسیار اهمیت دارد. (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴)

همانگونه که بیان شد عالمان سیاسی عموماً امر سیاسی را موضوع محوری دانش سیاست محسوب می‌کنند و آن را معطوف به قدرت می‌کنند. از نظر کارل اشمیت معیار امر سیاسی مستقل از دیگر معیارها است و در نتیجه می‌توان به نحو شفاف آن را مشخص کرد، این معیار، دوستی و دشمنی است. این تعریف در مقام معیار است نه تعریفی جامع. دشمن سیاسی نیازمند این است که به لحاظ اخلاقی بد و از لحاظ زیبایی‌شناختی زشت و به لحاظ اقتصادی رقیب باشد. امر سیاسی بیشترین و بالاترین نمود خصومت است و هر خصومت شدیدی نشانی از سیاست بر جبین دارد. دولت به مثابه واحد سیاسی خود را در وضع دوستی و دشمنی می‌یابد. سوژه دوستی و دشمنی برای همیشه ثابت نیست. (صفاری، ۱۳۹۵: ۱۹) ادبیات دوستی و دشمنی در بیانات آیت ... خامنه‌ای نیز حضور پررنگی دارد که با تعریف امر سیاسی در نظر اشمیت یکسان می‌نماید.

آیت ... خامنه‌ای تحلیل سیاسی صحیح را وابسته به مقدمات صحیح می‌داند و در نظر ایشان این مقدمات بایستی مبتنی بر واقعیت‌ها و اخبار درست و تحلیل آنها باشد. در نظر ایشان مبانی معرفتی بسیار مهم است. ایشان عامل لغزش در تشخیص امر سیاسی و عمل به آن را عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی می‌دانند. به باور ایشان برخی با شعارهایی وارد صحنه شدند، اما این شعارهای تند به دلیل عدم بهره‌مندی از تامل، به دنیاطلبی و شهوت‌رانی (دو عامل مهم لرزش و لغزش) منتهی شد. در نظر وی انس با قرآن یکی از راه‌هایی است که اعتقادات انسان را عمق می‌بخشد. (بابایی، ۱۳۹۴: ۵۵-۴۹) فعالیت‌های حزبی به مثابه نوعی فعالیت و عمل سیاسی مورد نظر ایشان است، اما ایشان در جامعه کنونی تشکیلات حزبی را موفق نمی‌دانند، زیرا در نظر وی شکل غلطی از فعالیت‌های حزبی وجود دارد. ایشان در یک تقسیم‌بندی کلی احزاب را به دو نوع تقسیم می‌کنند، احزابی که شامل مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی، اعتقادی و ایمانی‌اند و میان خودشان و

آحاد مردم کانال کشی می‌کنند و مردم را با افکار خودشان آشنا و همراه می‌کنند. این شکل درست تحزب است، اما در کشور ما چنین چیزی نیست. ایشان حزب‌های سیاسی کشورهای غربی را متمرکز نمی‌دانند، زیرا مبتنی بر منافع قشر خاص یا سرمایه داران است. امروزه با گسترش امکانات فضای مجازی واقعی، کانال کشی اندیشه‌ها و افکار با مردم کار بسیار آسان‌تری است که گسترش فعالیت‌های حزبی کمک خواهد کرد. از این رو می‌توان تحزب درست مورد نظر ایشان را محقق ساخت. از نظر آیت ا. خاмене‌ای هدف حزب نباید کسب قدرت باشد، بلکه هدف حزب باید هدایت فکری مردم به سمت فکر درست و اعتقاد راسخ و تصمیم صحیح باشد. (بابایی، ۱۳۹۴: ۶۱-۵۵) بنابراین مؤلفه‌ها و عناصر امر سیاسی در نظر ایشان را می‌توان تحزب صحیح، تحلیل و ترسیم مدل ذهنی بر اساس واقعیات جامعه، آرمان‌گرایی مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام در عین واقع‌گرایی و تجویز تکالیف واقع‌گرایانه در راه آرمان‌ها خواند.

### سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی

سیاست اخلاقی به معنای سیاست و سیاست‌ورزی در چارچوب اخلاق است. به عبارت دیگر سیاستمدار مقید به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی مرتبط با حوزه سیاست در امر باور، تصمیم و کنش سیاسی است. اخلاق سیاسی به همین سیاق به معنای اخلاق در چارچوب سیاست است و در این تعریف، امر سیاسی بر امر اخلاقی مقدم خواهد بود. تعریف دیگر اخلاق سیاسی، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی مرتبط با سیاست است که مراد ما از اخلاق سیاسی نیز همین تعریف است. ادب سیاسی با اخلاق سیاسی متفاوت است. ادب سیاسی مجموعه‌ای از آداب سیاست‌ورزی است که به پیشرفت و بهبود سیاست‌ورزی کمک می‌کند و در عین حال ناقض ارزش‌های اخلاقی هم نیست.

مسئله اخلاق سیاسی عمدتاً به اخلاق و نقد اخلاقی قدرت و اخلاق روابط بین‌الملل و اخلاق حاکمیت پرداخته می‌شود. در فلسفه اخلاق سیاسی سه مسئله مهم و عمده مطرح می‌شوند. آیا حاکم به دلیل رأی مردم اخلاقاً باید مطابق داوری اخلاقی مردم عمل کند؟ آیا وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی ویژه‌ای وجود دارد که فقط مناسب حوزه سیاست است؟ آیا سیاستمداران می‌توانند در زندگی سیاسی ضوابط اخلاقی‌ای که در خارج از حیطه سیاسی برایشان الزام‌آور است نقض کنند؟ آیا حوزه سیاسی اقتضانات و الزامات خاص خود را دارد؟ مسئله دیگری که در اخلاق سیاسی وجود دارد این است که اخلاق سیاسی اخلاق عامل است یا اخلاق ناظر؟ زیرا عامل در مقام

داشتن یک منصب سیاسی، رفتاری را اخلاقی می داند که دیگران در مقام ناظر از مقتضیات اخلاقی رفتار او آگاه نیستند.

رهبر انقلاب در خلال مباحث اخلاقی خود در درس اخلاق، دیدارها و بیانیه‌ها ضمن ارائه فهرستی از فضائل و رذائل اخلاقی در حوزه‌های مختلف حیات فردی، اجتماعی، خانوادگی، ملی، حکومتی و ... به بیان فضائل و رذائل و عوامل موثر در آن و موانع رشد اخلاقی آدمی پرداخته- اند. (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۴۲۰) توجه به تقسیم دقیق حضرت آیت ا... خامنه‌ای در سیره و رفتار رسول الله (ص) در دو عرصه شخصی و حکومتی نشانگر آن است که حاکمان، کارگزاران و عناصر موثر در رشد و اعتلای اخلاق جامعه همچون معلمان، استادان و روحانیون و روشنفکران هر کدام دو بعد مجزا در حرکت و حیات خود دارند که با تفکیک دقیق آنها آموزه‌های دقیق و بدون اشتباه و انحراف را از الگوهای رفتاری و قول و فعل آنان آموخت. (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۴۲۱-۴۲۰) رهبر انقلاب، اخلاق شخصی و اخلاق حکومتی پیامبر اکرم (ص) را تفکیک می‌کند و می‌گوید تفکیک ابعاد زندگی پیامبر به دو بعد اخلاق شخصی و احکام و اخلاق حکومتی موجب آن می‌شود تا فراگیران با شناخت مختصات ارزشی و اخلاقی حیات و حدود شخصی رسول الله (ص) از یک طرف و حیات حکومتی ایشان از سوی دیگر به تاسی با الگوگیری دقیق و درست از ایشان بپردازند. کما اینکه این دقت در خصوص گروه‌های مرجع جامعه همچون مسئولان، کارگزاران و رهبران و معلمان علمی و اخلاقی جامعه نیز حاکم و جاری است، یعنی اخلاق آنان به عنوان یک انسان با یک حاکم یا یک معلم و مدیر. (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۰۴/۲۰) تفکیک دیگری نیز در گفتارهای ایشان وجود دارد، تفکیک اخلاق فردی، اجتماعی و ملی. تقسیم‌بندی دیگری نیز در خصوص فضائل و رذائل که از سوی ایشان در بیاناتشان ارائه شده است تفکیک فضائل و رذائل اخلاقی است در عرصه شخصی، اجتماعی و ملی. این تقسیم‌بندی کمک می‌کند تا بتوان آثار و آسیب‌های فضای مجازی را در حوزه فردی، حکومتی و ملی شناسایی و مدیریت کرد.

اخلاق در اندیشه آیت ا... خامنه‌ای مجموعه‌ای از فضائل و رذائل نفسانی است و مکتب فضیلت‌گرایی در این اندیشه برجسته می‌نماید. اما با مرور بیانات مختلف ایشان در حوزه اخلاق سیاسی، آموزه‌هایی وجود دارند که در سایر مکاتب اخلاقی یافت می‌شوند. لذا در این مقاله تعریف ما از اخلاق شامل همه مکاتب اخلاقی است و گفتارهای ایشان را ذیل اخلاق گسترده‌تری می-گنجانم.

## اخلاق و سیاست: نسبت انواع اخلاق با سیاست

مسئله فیلسوفان اخلاق در بررسی رابطه اخلاق و سیاست این است که آیا اخلاق باید در قلمرو سیاست نقشی بازی کند؟ آیا باید بین این دو ارتباط برقرار کنیم؟ در صورت تعارض بین هنجارهای اخلاقی و هنجارهای قلمرو سیاست کدام یک مقدم‌اند؟ آیا قلمرو ارزش‌های سیاسی و ارزش‌های اخلاقی یکی هستند؟ امر سیاسی و امر اخلاقی در چه رابطه‌ای با یکدیگر قرار دارند؟ این مسئله که کدام نظریه هنجاری اخلاقی برای سیاست مناسب است، مسئله‌ای است که ذهن عموم فیلسوفان اخلاق و سیاست را به خود مشغول ساخته است. سیاست مقوله یا نهادی است که می‌تواند از منظر هنجاری و ارزشی مورد داوری اخلاقی قرار گیرد. امور متعلق ارزیابی هنجاری و ارزشی در قلمرو سیاست، باورهای سیاسی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رفتار سیاسی کنشگران است. در اینجا کنشگران، شهروندان، سیاستمداران و دولتمردان و رهبران اند و این کنش می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد. ارزش‌ها و باید و نبایدها و هنجارها در قلمرو سیاست، از قانون، از اراده شهروندان، از دین، از اراده خداوند، از اراده فرد حاکم یا هیأت حاکمه، از منافع ملی، از حفظ نظام، از حفظ قدرت، از ماهیت سیاست و اخلاق سرچشمه می‌گیرند. مسئله این است که در قلمرو سیاست باید بر اساس کدام هنجارها تصمیم گرفت و اینکه رابطه اخلاق و سیاست با سایر منابع چگونه است به ویژه این ارتباط در بیانات حضرت آیت ا... خامنه‌ای چگونه ظهور و بروز دارد؟

برخی اندیشمندان مقسم اخلاق، سیاست اقتصاد و علوم اجتماعی را یکی می‌دانند. به عبارت دیگر جنس این چهار حوزه دانش یکسان است، اما در فصل متفاوت‌اند بنابراین تضاد بنیادی با یکدیگر ندارند و به ویژگی‌های متفاوتی ارجاع می‌کنند و اخلاق را در حوزه اعمال فردی و سیاست را در حوزه اعمال مدنی طبقه بندی می‌کنند. به باور ارسطو فطرت انسان میل به اخلاق دارد، اما لزوماً فعلیت ندارد. برخی قدما بر این باورند که عادت به اخلاق منجر خواهد شد، اما به باور بسیاری از فیلسوفان عادت با اخلاق یکسان نیست. به عبارت دیگر وضع قانون و اجرای قانون منجر به نهادینه شدن اخلاق نمی‌شود، بلکه تنها عادات خوب را نهادینه می‌کند. تضاد بین اخلاق و سیاست به لحاظ تاریخی نیز قابل پیگیری است. در ادبیات مارکسیستی، ماکیاولیستی و رئالیستی این تضاد به روشنی دیده می‌شود. در ادبیات مارکسیستی هدف بر وسیله اولویت دارد. به عبارت دیگر هدف، قدرت و حفظ نظام است. در ادبیات ماکیاولیستی اگر هدف، قدرت باشد، در صورت تضاد اخلاق و قدرت،

اخلاق تابع قدرت می‌شود. به عبارت دیگر اخلاق در دایره سیاست محدود می‌شود. رئالیست‌ها، اخلاق‌گراها را ایده‌آل‌گرا می‌دانند. برخی از جمله ماکیاولیست‌ها بر این باورند که اخلاق/رشد اخلاقی در گرو آزادی است و نظام سیاسی با وضع قوانین روا می‌تواند آزادی را ایجاد کند. استعاره ماکیاول که قانونگذاری کار پیامبران است بر این مبناست که قانونگذار باید به درستی قانون گذارد. ماکیاول در موضوع آزادی اولویت را به سیاست می‌دهد، به عبارت دیگر اصلاح امور امت را در گرو اصلاح سیاست و وضع قوانین می‌داند نه فرهنگ یا امور دیگر. اما لیبرالیسم انسان‌ها را ذاتاً آزاد می‌داند، اما نظام سیاسی آزادی آنها را از بین می‌برد. در ادبیات کلاسیک یونانی انسان بودن انسان به اجتماع است و لیبرال‌ها با این دیدگاه مخالف‌اند. ادبیات کلاسیک یونانی و نظریه ماکیاولی و نظریه مسیحی و بخش بزرگی از نظریه اسلامی در این حوزه یکسانند و اتفاق نظر دارند. (فیرحی، ۱۳۹۵: ۵)

از حضرت علی(ع) بدین مضمون نقل شده است که نظم بد از بی‌نظمی بهتر است. در ادبیات لیبرالیستی تقدم فرد بر جامعه قابل پذیرش است و اصلاح فرد مقدم بر اصلاح جامعه است، اما در ادبیات بسیاری از عالمان، سیاست بر فرد تقدم دارد. (فیرحی، ۱۳۹۵: ۷)

ماکیاول و دنباله‌روهای او قلمرو سیاست را مشمول احکام اخلاقی نمی‌دانند. برخی ماکیاولی-های امروز قلمرو سیاست را دارای احکام خاص و برخی دیگر قلمرو سیاست را از دایره شمول اخلاقی مستثنی می‌دانند. بر این اساس ورود اخلاق به نهاد سیاست ممنوع است. توجیه این مدعا بر این مبناست که فاسدترین نهاد اجتماعی نهاد سیاست است و موفقیت و کارآیی نهاد سیاست در همین فساد نهفته است. بر اساس دیدگاه ایشان در هیچ نهادی به اندازه نهاد سیاست نزاع و تضاد منافع وجود ندارد و امکان دستیابی به منافع مشترک به حداقل می‌رسد. پیامدهای فعالیت سیاسی بیشترین تاثیر را در وضعیت جامعه دارد. به همین دلیل نباید چیزی مانند اخلاق دست و پا گیر شود تا این نهاد را از سودهای عظیمی محروم کند. به باور این گروه افراد در نهاد سیاست مجری خواسته‌های دیگران‌اند نه خواسته‌های خود. بنابراین دغدغه اخلاقی زیستن و رابطه اخلاق و سیاست بی‌معناست. اما به باور بسیاری از فیلسوفان به رغم واقع‌گرایی و واقعیات موجود در نهاد سیاست و تفاوت‌های این نهاد با سایر نهادها، هیچ کدام نمی‌تواند مدعای ایشان را ثابت کند. از جمله دلایل دیگر حامیان عدم ورود اخلاق به نهاد سیاست، پدیده‌هایی است که در زندگی خصوصی وجود ندارند؛ از جمله این پدیده‌ها سازش است، یعنی چشم پوشی از برخی آرمان‌ها و منافع و پدیده دیگر، ادامه رویه‌ها و روندهای خطا به دلیل برخی مصالح است و پدیده دیگر انعزال اخلاقی افراد

اخلاق مدار در نهاد سیاست است. (ملکیان، ۱۳۸۷: ۷-۱)

برخی فیلسوفان، وظیفه‌گرایی کثرت‌گونه (مانند اخلاق دیوید راس و تامس نیگل) را نظریه‌ای مناسب برای سیاست می‌دانند. در وظیفه‌گرایی کثرت‌گونه اصول اخلاقی متنوع بدیهی وجود دارند و انسان‌ها می‌توانند به نحو شهودی نسبت به آن‌ها معرفت کسب کنند. شهودگرایی جان راولز شبیه وظیفه‌گرایی کثرت‌گونه است.

برخی فیلسوفان بر این باورند که برخلاف اکثر موضع‌گیری‌ها نمی‌توان حکمی کلی در باب نسبت اخلاق و سیاست صادر کرد، زیرا انواعی از اخلاق نباید در قلمرو سیاست مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند. (فنائی، ۲۰۱۲: ۱) به عنوان مثال اخلاق شفقت، اخلاق حداکثری مبتنی بر شفقت و رایگان بخشی است و اخلاق حداقلی مبتنی بر عدالت است و در رفتار امیرالمومنین (ع) مشاهده می‌شود که در حوزه سیاست بر اخلاق حداقلی تاکید داشتند و در خانواده بر اساس اخلاق حداکثری عمل می‌کردند. برخی فیلسوفان اخلاق از جمله فنائی، اخلاق مرتبط با سیاست را دارای هفت ویژگی هنجاری، اجتماعی، فرادینی، حداقلی، زمینه‌گرای وظیفه‌گرا که پیامدهای قابل پیش‌بینی را در نظر می‌گیرد می‌دانند و اخلاق نامرتب با سیاست را اخلاق توصیفی فردی دینی حداکثری مطلق‌گرای وظیفه‌گرا که پیامدها را در نظر نمی‌گیرد می‌دانند.

در بررسی رابطه اخلاق و سیاست دو رویکرد عمده می‌توان اتخاذ نمود، اولین رویکرد مربوط به رابطه نهاد اخلاق و نهاد سیاست است و دومی مربوط به سیاست و اخلاق به عنوان دو نظام فکری و دو مفهوم متفاوت است. بررسی رابطه نهاد اخلاق و نهاد سیاست مطالعه‌ای جامعه‌شناختی است، اما بررسی رابطه دو مفهوم اخلاق و سیاست و رابطه امر سیاسی و امر اخلاقی از منظر فلسفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکرد اول رویکرد توصیفی است و با مراجعه به عالم واقع به مطالعه رابطه اخلاق و سیاست به مثابه دو نهاد مختلف از لحاظ جامعه‌شناختی و تاریخی می‌پردازیم، اما مطالعه فلسفی مطالعه‌ای هنجاری است. بر اساس دیدگاه این فیلسوفان هنجارهای حاکم بر رفتار انسان‌ها از منظرهای متفاوت و متنوعی نشأت می‌گیرد. برخی از این هنجارها منشأ شرعی و دینی برخی دیگر اخلاقی، برخی حقوقی، زیبایی‌شناختی، مصلحت‌اندیشانه، قانونی و برخی دیگر مبتنی بر سنت و آداب و رسوم اند. هنجارها راهنمای عمل کشگر یا فاعل مختارند.

برخی با سوء استفاده از اخلاق زمینه‌گرا یا حساسیت زمینه اخلاق به سیاست و قدرت، سعی در توجیه رفتارهای غیر اخلاقی در حوزه سیاست دارند و ادعا می‌کنند اخلاق حاکمان با اخلاق

محکومان متفاوت است، اما این طرز تلقی ناشی از بدفهمی نسبی‌گرایی اخلاقی و زمینه‌گرایی اخلاقی است و زمینه‌گرایی اخلاقی را با نسبی‌گرایی اخلاقی یکی دانسته‌اند. (فناپی، ۱۳۹۵: ۱۱)

تفکیک دیگر، تفکیک اخلاق و وظیفه‌گرا از اخلاق پیامدگرا است. در اخلاق پیامدگرایانه، معیار درستی و نادرستی عمل، پیامدهای عمل است. در ادبیات آیت ... خامنه‌ای جذب حداقلی و دفع حداکثری نوعی اخلاق پیامدگرایانه است. برخی افراد عبارتی که امام خمینی (ره) می‌فرمایند ما مأمور به تکلیفیم نه نتیجه را مورد مناقشه قرار داده‌اند. برخی می‌گویند ما مأمور به تکلیفیم، ادعای درستی نیست. زیرا در مقام تشخیص تکلیف، شخص موظف است پیامدهای قابل پیش‌بینی عمل خود را در محاسبات منظور کند. در پاسخ به نقد ایشان باید گفت وظیفه‌گرایی اخلاقی نمی‌گوید ما مأموریم به وظیفه و تکلیف، بلکه مقام تشخیص وظیفه غیر از مقام انجام وظیفه است. در مقام انجام وظیفه مأموریم به انجام وظیفه اما در مقام تشخیص وظیفه مأموریم به تلاش برای تشخیص عمل درست. جمله امام ناظر به مقام اول است و در مقام تشخیص، ایشان قائل به همان سنت اجتهادی هستند و رعایت قواعد تفکر دینی که در استنباط حکم شرعی وارد می‌شود. آیت ... خامنه‌ای در شرح گفتار امام می‌فرمایند تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه مطلوب بر طبق تکلیف عمل کند، بر خلاف تکلیف عمل نکند، بر ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد. (آیت ... خامنه‌ای، ۹۲/۰۵/۰۶) استعاره قله و دامنه در دیدگاه ایشان آرمان‌گرایی در عین واقع‌گرایی است، به عبارت دیگر ترسیم آرمانها و تجویز تکالیف واقع‌گرایانه.

برخی فیلسوفان، اخلاق فضیلت را به سیاست مرتبط نمی‌دانند، اما برخی دیگر از فیلسوفان به دنبال اخلاق فضیلت مرتبط با سیاست اند. به باور ایشان پایدارترین و مهمترین مؤلفه مدیریت، شخصیت شایسته است. در ربع آخر قرن بیستم ناکامی‌های اخلاقی مسئولین سیاسی در جهان غرب شاهد این مدعاست که زنان و مردان شایسته و با شخصیت کم شمارند. پیش‌فرض مدیریت‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرسوم این است که نظام‌های سالم افراد شایسته پدید خواهند آورد. مسائل اخلاقی با طراحی نظام‌هایی بهتر مرتفع می‌شوند، اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد جامعه سالم متکی بر اعتماد اخلاقی شهروندان و رهبران است، نه بر ساختارهای تبدیل اعمال ناشایست به نتایج سودمند اجتماعی. نظام‌ها مهم اند، اما شخصیت‌ها مهم‌تر اند. ادعا این است که دموکراسی و نهادهای دموکراتیک با اخلاق فضیلت تکمیل می‌شوند. اخلاق، انضباط پر قید و بند است و در اخلاق چیزی مفت به دست نمی‌آید. فضائل نسبی نیستند، بلکه فرافرهنگی و فرازمانی اند. بسیاری از فیلسوفان بر

این باورند اخلاق فضیلت برترین نظام اخلاقی است و بهترین نگرش به فلسفه اخلاق است. بنیاد فلسفه اخلاق ارسطو توجه شهروندان به رفاه و سعادت هم‌وطنان است. بسیاری از فلاسفه یونانی انسان را موجودی سیاسی می‌دانند و شکوفایی انسان تنها از رهگذر ایفای نقش فعالانه شهروندی در حکومت جمهوری است. انسان با فضیلت، دغدغه منافع عمومی دارد نه مقاصد شخصی. فساد به معنای فقدان فضیلت مدنی است. در قرن بیستم اخلاق قاعده محور غالب شد و مسأله شخصیت اخلاقی مورد توجه قرار نگرفت، زیرا قاعده اصلی در سیاست و مدیریت این بود که سازمان‌ها نباید بر افراد متکی شوند. سازمان‌های مدرن و فنون مدیریت محصول سرمایه‌داری اند. عصاره اخلاق فضیلت در سیاست این است که اصول را بیاموز، آنگاه بگذار خودشان حکومت کنند. فضیلت را نمی‌توان تحمیل کرد، بلکه رعایت داوطلبانه آن بسیار مهم است. اخلاق فضیلت تسلیم مهندسی اجتماعی نمی‌شود. انسانها باید از توصیه‌های دیگران فراتر روند تا خود بیاموزند. ارسطو انقلاب واقعی را فضیلت نافرمانی نسبت به فرمانروایان ناعادل می‌داند و این فضیلت در امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب بارز است.

مکتب سیاسی امام خمینی و آیت ا. خاмене‌ای تفاوت ماهوی ندارند. آیت ا. خاмене‌ای در توصیف مکتب سیاسی امام خمینی می‌گوید در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است و کانون اصلی رفتار امام، معنویت بود و همه رفتارها و همه مواضع او حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده تکوینی او اعتماد داشت. تکلیف الهی کلید سعادت برای امام محسوب می‌شد. امام سیاست را با عرفان و معنویت آمیخته بود و در برنامه زندگی خود جای داده بود. از نظر آیت ا. خاмене‌ای حرکت نظام سیاسی حق، بی تقوا پیش نمی‌رود و تقوا به معنای رعایت همه ارزشهاست. جبهه حق فقط در صورتی توفیق پیدا می‌کند که با تقوا و طهارت همراه باشد. (آیت ا. خاмене‌ای، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳) گفتارهای ایشان ناظر به فضیلت‌های مبتنی بر اخلاق دینی است. وی می‌گوید خدای متعال هدایت را بر عهده خودش دانسته است. بر اساس قرآن اگر تقوا به میان بیاید خداوند متعال هم اعمال را اصلاح می‌کند و ما را هدایت می‌کند. (آیت ا. خاмене‌ای، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸) بنابراین در نظر ایشان فضیلت الاهیاتی تقوا معیاری معرفتی برای حرف و عمل درست است و بهره‌مندی از هدایت و کمک الهی. با مرور در مجموعه بیانات آیت ا. خاмене‌ای در حوزه اخلاق سیاسی ترکیبی از آموزه‌های مرتبط با مکاتب اخلاقی مختلف در رابطه با حوزه سیاست یافت می‌شوند که این آموزه‌ها استخراج و به ترتیب ذیل تفکیک شده‌اند.



## جمع‌بندی مؤلفه‌های اخلاق سیاسی در بیانات حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای

اخلاق حداقلی	اشدء علی الکفار، رعایت عدالت و انصاف
اخلاق حداکثری	رحماء بینهم
اخلاق دینی	سعادت، اعتقاد به اراده تشریحی خداوند، اعتماد به اراده تکوینی خداوند، آمیختگی سیاست و معنویت حول محور خدا، حرکت بر اساس هدایت شریعت، تقوا: شرط هدایت حرف و عمل، دوری از حب قدرت و ثروت و جاه و مقام و شهرت و محبوبیت، معنویت مقدمه و شرط سیاست، عدالت به مثابه‌ی تقوا، تقوا و سیاست مسئولیت همگانی، عدم کناره‌گیری در وقت فتنه، اتخاذ موضع صریح در مسائل اساسی و سرنوشت‌ساز کشور، عدم بی تفاوتی همگان به سیاست: به من چه نداریم، وجوب همگانی امر به معروف و نهی از منکر، حفظ مرز نقد و نفی نظام اسلامی، ایمان و عزم راسخ در راه انقلاب، پرهیز از قداست شکنی مسائل اساسی اسلام، عدم تفکیک دین از سیاست، عدم تفکیک دولت از معنویت، تقوا شرط حرکت نظام حق، جمع سیاست و عرفان و معنویت
اخلاق فرادینی	دوری از حب قدرت و ثروت و جاه و مقام و شهرت و محبوبیت، وحدت و یکپارچه‌گی ضامن حفظ نظام
اخلاق مطلق‌گرا	عمل به تکلیف با شجاعت و رضایت خاطر و بدون اهمه، عدالت به مثابه‌ی تقوا، اصول انقلاب: اصول قانون اساسی، اصول انقلاب: اصول اسلام، اصول انقلاب: رهنمودهای امام خمینی و وصیت‌نامه ایشان، اصول انقلاب: سیاست‌های کلی نظام، حفظ مرز نقد و نفی نظام اسلامی
اخلاق زمینه‌گرا	مصلحت‌اندیشی، آرمان‌گرایی در عین واقع‌گرایی، تکلیف‌گرایی واقع‌گرایانه
اخلاق توصیفی	اخلاق مبتنی بر رفتار و گفتار و آموزه‌های سیاستمداران آرمانی (معصومین علیهم السلام)

<p>امید، ایمان، اعتماد به اراده تکوینی خداوند، تقوا: شرط هدایت حرف و عمل، هزیمت/شکست در دل مقدمه هزیمت در مقابل دشمن خارجی، تقوا: شرط هدایت الهی، جستجوی تکلیف با عزم جازم، عمل به تکلیف با شجاعت و رضایت خاطر و بدون واهمه، تاثیر منفی بی تقوایی در قضاوت، تصمیم و قانون‌نویسی، دوری از حب قدرت و ثروت و جاه و مقام و شهرت و محبوبیت، معنویت مقدمه و شرط سیاست، عدالت به مثابه‌ی تقوا، ایمان و عزم راسخ در راه انقلاب، ناامیدی: بلایی عظیم، تقوا شرط حرکت نظام حق</p>	<p><b>اخلاق هنجاری فضیلت‌گرا</b></p>
<p>سعادت، مصلحت‌اندیشی، نقادی بدون تکمیل پازل دشمن، وحدت و یکپارچه‌گی ضامن حفظ نظام اسلامی، پرهیز از قداست شکنی مسائل اساسی اسلام، ناامیدی: بلایی عظیم، تقوا شرط حرکت نظام حق، سیاست بدون تقوا: قدرت طلبی، آرمان‌گرایی: پایبندی به ارزش‌ها و تاثیرناپذیری نسبت به جبهه مخالف</p>	<p><b>اخلاق هنجاری نتیجه‌گرا</b></p>
<p>مصلحت جامعه به مثابه‌ی اصول، تکلیف الهی کلید سعادت، مصلحت واقعیتهای انکارناپذیر، تقوا: رعایت ارزش‌ها، جستجوی تکلیف با عزم جازم، تقوا و سیاست مسئولیت همگانی، عدم کناره‌گیری در وقت فتنه، اتخاذ موضع صریح در مسائل اساسی و سرنوشت‌ساز کشور، عدم بی تفاوتی همگان به سیاست: به من چه نداریم. وجوب همگانی امر به معروف و نهی از منکر، وحدت و یکپارچه‌گی، حفظ مرز نقد و نفی نظام اسلامی، شرط پیشروی: عمل به تکالیف، برنامه‌ریزی برای نیل به نتیجه مطلوب و آرمانی، ترسیم آرمان-ها و تجویز تکالیف واقع‌گرایانه، آرمان‌گرایی در عین واقع‌گرایی: استعاره قله و دامنه</p>	<p><b>اخلاق هنجاری تکلیف- گرا</b></p>
<p>پایبندی به قانون اساسی</p>	<p><b>اخلاق هنجاری حقوق‌گرا</b></p>
<p>نقادی با منطق محکم، انتقاد نه عیب‌جویی، انتقاد نه جنجال‌آفرینی و درگیری و تهمت‌زنی، خط قرمز انتقاد: مبانی اسلام و انقلاب، نقادی بدون تکمیل پازل دشمن، انتقاد: ارزیابی منصفانه کارشناسی، انتقاد در عین توجه به</p>	<p><b>اخلاق باور و نقد</b></p>

<p>دشواری اداره کشور توسط مجریان، انتقاد با هدف سیاه‌نمایی: خیانت، انتقاد بدون امید زدایی، انتقاد بدون مخدوش کردن چهره‌های دلسوز و مومن، انتقاد بدون تفرقه‌افکنی و تشویش اذهان عمومی، انتقاد بدون چهره‌سازی از دشمن، انتقاد: دیدن نقاط قوت و ضعف و رعایت انصاف، پرهیز از سخن بدون علم، واقعیت به مثابه‌ی صراط</p>	
---	--

### نتیجه‌گیری

نسبت‌سنجی اخلاق و سیاست از دغدغه‌های دیرباز فیلسوفان اخلاق و سیاست در اعصار مختلف بوده است. در پیش، دیدگاه‌های مختلفی با تفکیک انواع اخلاق و بررسی نسبت هریک با حوزه سیاست از نظر تان گذشت. در این مقاله به توضیح هریک از اخلاق دینی/ اخلاق فرادینی، اخلاق حداکثری/ اخلاق حداقلی، اخلاق مطلق‌گرا/ اخلاق زمینه‌گرا، اخلاق عامل/ اخلاق ناظر، اخلاق توصیفی/ اخلاق هنجاری، اخلاق سیاسی/ سیاست اخلاقی، اخلاق باور/ اخلاق نقد، اخلاق پیامدگرا، اخلاق فضیلت، اخلاق تکلیف‌گرا، اخلاق حق‌گرا و سپس به پیگیری آنها در ادبیات رهبر انقلاب حضرت آیت ا... خامنه‌ای پرداختیم. از مجموع بیانات ایشان آنچه از انواع اخلاق برجسته می‌نماید اخلاق دینی و اخلاق فضیلت‌مبتنی بر تقوا و فضائل الاهیاتی است. ایشان اعتقاد عمیق به اراده تشریحی خداوند متعال و اعتماد راسخ به اراده تکوینی و سنت‌های الاهی دارند. در نظر ایشان کُویت نظام حق بدون تقوا لنگ است و نظام حق بدون تقوا حرکت و پیشرفت نمی‌کند. فضیلت‌امید و پرهیز از ترویج ناامیدی در جامعه در بیانات ایشان برجسته است. تکلیف‌گرایی مبتنی بر واقعیات جامعه نه غیرواقعیات، از ویژگی‌های ممتاز نظری ایشان است. این نوع تکلیف‌گرایی قابلیت جمع نتیجه‌گرایی و تکلیف‌گرایی را در خود دارد که شایسته‌ی تحقیق و پژوهش است. ارزش‌های مطلق اسلام و انقلاب اسلامی از اصول هدایت‌اندیشه و عمل ایشان است و مصلحت‌گرایی تا جایی است که اصول نقض نشود. ایشان با اتکا بر سیره نظری و عملی معصومین تحت عنوان انسان ۲۵۰ ساله استدلال از "است" به "باید" یا استدلال توصیف به هنجار را ممکن ساخته‌اند و این نوع استدلال فقط در صورتی مقدور است که سیاستمداران آرمانی، مورد توجه قرار گیرند. آرمان‌گرایی از مؤلفه‌های مهم در اخلاق دینی پیامدگرایانه ایشان و واقع‌گرایی از مؤلفه‌های مهم تکلیف‌گرایی ایشان است. لذا آموزه‌های متنوعی از ادب و اخلاق سیاسی در آثار و بیانات ایشان وجود دارند که ذیل انواع

اخلاق قرار می‌گیرند و به روشنی تقدم و آمیختگی اخلاق و معنویت با سیاست را نشان می‌دهند.

### کتابنامه

قرآن کریم.

- اشمیت، ک. (۱۳۹۵). *مفهوم امر سیاسی*. (سهیل صفاری). تهران: نگاه معاصر.
- ارسطو. (۱۳۴۹). *سیاست*. (حمید عنایت). تهران: علمی و فرهنگی.
- ادواردز، پ. (۱۳۹۶). *دانشنامه فلسفه اخلاق*. (ان شا... رحمتی). تهران: سوفیا.
- ارسطو. (۱۳۹۴). *اخلاق نیکوماخوس*. (محمدحسن لطفی). تهران: طرح نو.
- بابایی، ا. (۱۳۹۴). *بایسته‌های اخلاق سیاسی از منظر مقام معظم رهبری*. تهران: دفتر نشر معارف.
- تامپسون، م. (۱۳۷۶). *آشنایی با فلسفه سیاسی*. (معصومه صابر مقدم). تهران: اطلاعات.
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۹۸). *انسان ۲۵۰ ساله*. تهران: موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۰/۰۵/۲۳). *بیانات در دیدار با مسئولین و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۸۴/۰۳/۰۸). *بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۰/۰۱/۲۶). *بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۷/۱۱/۱۳). *بیانات در دومین روز از دهه مبارک فجر*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۹۳/۰۳/۱۴). *بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت امام خمینی (ره)*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۹۲/۰۵/۰۶). *دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۶۱/۰۴/۲۵). *بیانات در درس اخلاق*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۶۷/۰۸/۲۹). *دیدار با طلاب عازم جبهه*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۱/۱۱/۱). *دیدار مسئولان و کارگزاران نظام با رهبر انقلاب*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۱/۱۲/۰۴). *سخنرانی رهبر انقلاب در اولین روز ماه مبارک رمضان*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۶۷/۰۳/۱۶). *دیدار با روحانیون*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۰/۱۰/۱۹). *دیدار با طلاب قم*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۷/۰۷/۱۹). *مراسم عمامه گذاری طلاب*
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۷۲/۰۴/۲۳). *دیدار با کارکنان آموزش و پرورش*

- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۳۷/۰۷/۲۸). خطبه‌های نماز جمعه تهران.
- خامنه‌ای آیت ا...، سید علی. (۱۳۳۳/۰۴/۲۰). خطبه‌های نماز جمعه تهران
- خسروپناه، ع. (۱۳۹۶). منظومه فکری آیت ا... العظمی خامنه‌ای. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- راولز، ج. (۱۳۹۴). عدالت به مثابه انصاف. (عرفان ثابتی). تهران: ققنوس.
- سید رضی، م.ح. (قرن چهارم ه.ق). نهج البلاغه. (شهیدی، ج). تهران: علمی و فرهنگی.
- سویفت، آ. (۱۳۹۷). فلسفه سیاسی. (پویا واحد). تهران: ققنوس.
- فیرحی، د. (۱۳۸۹). دین و دولت در عصر مدرن. تهران: رخداده نو.
- فیرحی، د. (۱۳۹۵). "اخلاق در سیاست". صفیر حیات. شماره هفتم، بهار.
- فناپی، ا. (۱۳۹۴). اخلاق دین شناسی. تهران: نگاه معاصر.
- فناپی، ا. (۱۳۹۴). دین در ترازوی اخلاق. تهران: صراط.
- فناپی، ا. (۱۳۹۱). "چه اخلاقی به چه سیاستی مربوط است؟". سخنرانی، لندن.
- ملکیان، م. (۱۳۹۱). مهر ماندگار. تهران: نگاه معاصر.
- ملکیان، م. (۱۳۸۷). "اخلاق و سیاست". آیین مرداد. شماره ۱۵.